

پاسخ نامه آیین دادرسی مدنی

سوال ۲۱ 

در گزینه ۱:

خوانده ادعای ولایت دارد ولی مدرک قانونی ارائه نکرده، پس خواهان می‌تواند مطابق ماده ۸۵ اعتراض به سمت خوانده کند

سوال ۲۲ 

خوانده محجور (دچار زوال عقل) است و فاقد نماینده قانونی (ولی یا قیم)،
→ پس تا تعیین قیم، حق دارد از ورود در ماهیت دعوا امتناع کند.

سوال ۲۳ 

در گزینه ۱:

ایراد مرور زمان اصولاً باید در جلسه اول مطرح شود.

اگر خوانده بهانه بیاورد که از تاریخ عقد بی اطلاع بوده، این عذر، معمولاً برای پذیرش ایراد متأخر حادث شده پذیرفته نیست (چرا که تاریخ عقد، در قرارداد بوده و قابل دسترسی بوده است).
→ پس این ایراد قانوناً خارج از مهلت و غیرقابل استماع است.

❌ دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

(۲) درست است: اگر فقدان سمت خواهان در جلسه دوم آشکار شود، این ایراد می‌تواند متعاقباً حادث شود و قابل طرح است.

(۳) درست است: خوانده در جلسه اول ایراد عدم توجه دعوا را مطرح کرده، که کاملاً به موقع است.

۴) درست است: ایراد به صلاحیت دادگاه (محلّی یا ذاتی)، حتماً باید در جلسه اول مطرح شود که اینجا رعایت شده.

سوال ۲۴ 

در گزینه ۳:

ایراد به صلاحیت محلّی از جمله ایرادات شکلی و مقدم بر ماهیت است،
→ پس تا زمانی که دادگاه در این باره تصمیم نگرفته،
نباید وارد ماهیت شود.

✖ تحلیل سایر گزینه‌ها:

(۱) نادرست است: موضوع عمومی بودن ملک یک دفاع ماهوی است، نه ایراد شکلی. دادگاه می‌تواند به ماهیت وارد شود.

(۲) نادرست است: اگر سمت قیم مورد ایراد است، مطابق ماده ۸۵ قابل بررسی است، اما ممکن است دادگاه برای تعیین سمت، وقت استعلام دهد و در حین آن ماهیت را بررسی نکند، ولی لزوماً مانع ورود در ماهیت نیست.

(۴) نادرست است: محکومیت کیفری خوانده مانعی برای رسیدگی نیست و ایراد قابل توجهی محسوب نمی‌شود؛ مگر اینکه فقدان اهلیت یا سمت مطرح باشد که اینجا بیان نشده.

✓ سوال ۲۵

مطابق ماده ۹۰ ق.آ.د.م:

اگر ایرادات تا پایان اولین جلسه دادرسی مطرح نشود، دادگاه الزامی به رسیدگی جداگانه به آنها ندارد و می‌تواند همراه با ماهیت رسیدگی کند.

بنابراین، گزینه ۳ صحیح است.

✗ تحلیل گزینه‌های نادرست:

(۱) نادرست است: چون ایراد بعد از جلسه اول مطرح شده و الزام قانونی برای رسیدگی جداگانه وجود ندارد.

(۲) نادرست است: ایراد مرور زمان هم مشمول ماده ۹۰ است و اگر دیر مطرح شود، رسیدگی جداگانه لازم نیست.

۴) نادرست است: دادگاه فقط در صورتی موظف است جداگانه رأی دهد که ایراد به موقع (تا پایان جلسه اول) مطرح شده باشد.

سوال ۲۶ 

طبق ماده ۹۱، موارد رد الزامی دادرس عبارت‌اند از:

قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه

رابطه‌ی قیم بودن، مباشرت امور دادرس یا همسر او

وراثت دادرس یا همسر یا فرزندش نسبت به یکی از اصحاب دعوا

اظهارنظر قبلی به عنوان دادرس، داور، کارشناس یا گواه

در گزینه ۴، دعوای سابق نامرتبط با دعوای فعلی است
و چنین سابقه‌ای در ماده ۹۱ نیامده،
پس موجب رد الزامی نیست.

سوال ۲۷ 

بر اساس ماده ۹۲، پس از صدور قرار امتناع از
رسیدگی، دادرس موظف است پرونده را به ترتیب زیر
اقدام کند:

۱. اگر دادگاه دارای دادرسان دیگر باشد → به آنها
محول می‌شود.

۲. اگر فاقد دادرس کافی باشد → پرونده نزد رئیس
شعبه اول برای ارجاع یا تکمیل کادر ارسال می‌شود.

۳. اگر اصلاً دادگاه فاقد شعبه دیگر باشد → پرونده به

نزدیک‌ترین دادگاه هم‌عرض ارسال می‌گردد.

→ گزینه ۳ دقیقاً منطبق با این مرحله‌ی سوم است.

سوال ۲۸ 

طبق ماده ۹۴:

اصل بر این است که اصحاب دعوا می‌توانند به‌جای خود وکیل معرفی کنند.

اما اگر دادرس حضور شخص آنان را لازم بداند، این الزام باید در برگ اخطاریه قید شود.

در این حالت، طرفین شخصاً مکلف به حضور خواهند بود، حتی اگر وکیل داشته باشند.

سوال ۲۹ 

ماده ۹۵ می گوید:

در اصل، عدم حضور اصحاب دعوا یا وکلای آنان مانع رسیدگی نیست.

اما اگر دادگاه برای صدور رأی نیاز به اخذ توضیح از خواهان داشته باشد و:

خواهان در جلسه حاضر نشود

و با توضیح خوانده هم امکان صدور رأی نباشد ⇒ در این صورت، دادخواست خواهان ابطال خواهد شد.

سوال ۳۰ 

طبق ماده ۹۶:

اگر خوانده نتواند حاضر شود باید اصل و رونوشت اسنادش را به وکیل یا نماینده اش بدهد.

اگر این کار را نکند و سند عادی مورد تردید یا انکار واقع شود، → از عداد دلایل خارج می‌شود (در مورد خوانده).

سوال ۳۱ 

طبق ماده ۹۸:

کاهش خواسته در همه مراحل دادرسی آزاد است و نیازی به هیچ شرط خاصی ندارد.

اما افزودن به خواسته یا تغییر نحوه دعوا یا تغییر خواسته فقط در صورتی مجاز است که:

1. با دعوای طرح شده مرتبط باشد،

2. منشأ واحدی داشته باشد،

3. و تا پایان اولین جلسه دادرسی اعلام شده باشد.

سوال ۳۲ 

طبق ماده ۹۷:

اگر خوانده تا پایان جلسه اول دادرسی دلایلی ارائه کند،

و دفاع در برابر آنها برای خواهان بدون ارائه اسناد جدید مقدور نباشد،

و خواهان مهلت بخواهد،

و دادگاه نیز تشخیص دهد که تقاضا موجه است،
⇒ دادگاه مهلت مناسب برای ارائه اسناد جدید می‌دهد.

سوال ۳۳ 

مطابق ماده ۹۹:

تأخیر جلسه دادرسی تنها در صورت وجود دو شرط
ممکن است:

1. درخواست اصحاب دعوا (هر دو طرف)،

2. رضایت هر دو طرف.

آن هم فقط برای یک بار.

✗ تحلیل گزینه‌های نادرست:

۱) نادرست است چون رضایت اصحاب دعوا شرط
است و تأخیر بیشتر از یک بار مجاز نیست.

(۲) نادرست است چون دادگاه مختار است، نه مکلف.
(۴) نادرست است چون ماده درباره توافق و درخواست
طرفین است، نه عدم حضور.

سوال ۳۴ 

طبق تبصره ۲ ماده ۴۳ دیوان عدالت اداری:

اگر طرف شکایت (اعم از شخص حقیقی یا نماینده
شخص حقوقی)،

پس از احضار رسمی،

بدون عذر موجه از حضور برای ادای توضیح خودداری
کند،

⇒ شعبه می‌تواند او را جلب کند یا به انفصال موقت
از خدمات دولتی (۱ ماه تا ۱ سال) محکوم نماید.

سوال ۳۵

مطابق ماده ۳۵ اصلاحی:

مرجع رسیدگی به دستور موقت، همان شعبه‌ای است که به اصل شکایت رسیدگی می‌کند.

صدور دستور موقت منوط به احراز هم‌زمان ضرورت و فوریت موضوع است.

ممکن است دستور موقت شامل توقف اجرای اقدامات، تصمیمات، آراء مورد شکایت یا حتی الزام به انجام وظیفه باشد.

این اقدام در قالب دادرسی فوری صورت می‌گیرد.

نکته های تست: 

؛ مرجع صدور دستور موقت، شعبه رسیدگی کننده به
اصل شکایت است، نه رئیس دیوان.
؛ چون هم فوریت و هم ضرورت باید احراز شود، نه
صرفاً یکی.
؛ دستور موقت می تواند پیش از رسیدگی نهایی و
صدور رأی صادر شود، و حتی در آغاز روند دادرسی
نیز ممکن است ضرورت داشته باشد.

سوال ۳۶ 

مطابق ماده ۳۷:

هرگاه دستور موقت صادر شود، شعبه دیوان موظف
است به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رأی
مقتضی صادر کند.

♦ فلسفه این ماده:

از آن جا که دستور موقت ماهیتی اضطراری و موقت
دارد، قانونگذار برای جلوگیری از اطاله دادرسی و
سوءاستفاده احتمالی، تأکید کرده که رسیدگی اصلی
سریع تر و اولویت دار باشد.

سوال ۳۷

مطابق ماده ۴۲، چنانچه در متن شکایت مطالبی علیه شخص ثالث مطرح شده باشد، این موضوع مانع رسیدگی شعبه دیوان به پرونده نخواهد بود. یعنی اگرچه ممکن است در دادخواست به اشخاصی غیر از طرف شکایت اشاره شده باشد، اما دیوان می‌تواند به اصل شکایت علیه مرجع طرف شکایت رسیدگی کند.

سوال ۳۸

طبق ماده ۴۹، محکوم‌له در صورتی که محکوم‌علیه در موعد مقرر حکم را طوعاً اجرا نکند، و با محکوم‌له توافقی نداشته باشد، و مالی معرفی نکرده یا مالی توقیف نشده باشد، می‌تواند درخواست توقیف اموال معادل محکوم‌به را مطرح کند. گزینه ج تمام این شرایط را دارد و صحیح است.

سوال ۳۹

طبق ماده ۵۱، اصل بر این است که فقط به اندازه محکوم به و هزینه های اجرایی مال توقیف می شود، اما اگر مال معرفی شده ارزش بالاتری دارد و قابل تجزیه نیست، کل آن مال توقیف می شود. در مورد اموال غیرمنقول هم اگر قابل تجزیه نباشد، مقدار مشاعی معادل محکوم به و هزینه ها توقیف می گردد.

سوال ۴۰

طبق ماده ۵۶ قانون اجرای احکام مدنی، هرگونه نقل و انتقال نسبت به مال توقیف شده - اعم از قطعی، شرطی، یا رهنی - باطل و بلااثر است. بنابراین انتقال مال توقیف شده، تحت هر عنوان و با هر رضایتی، قانونی نیست و اثری ندارد.